

Akhlaq-i zisti

i.e., Bioethics Journal

2025; 15(40): e32

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Religious Education Curriculum Model Based on Moral Teachings of the Theory of Divine Nearness

Mohammad Mahmoodi Boureng^{1*}, Meysam Gholampour², Said Rahmati Kahkhah³

1. Department of Curriculum Studies, University of Birjand, Birjand, Iran.

2. Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

3. Department of Educational Sciences, Torbat-e Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydarieh, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The present study, relying on the "Theory of Divine Nearness", seeks to explain the elements of the religious education curriculum based on moral teachings.

Methods: In this qualitative research of the "observational inquiry" type, the method of collecting and analyzing documents was used. After studying the theory of divine nearness, its implications in the curriculum elements were extracted and analyzed in a guided and reflective manner.

Ethical Considerations: In conducting the research, scientific integrity and accurate citation were observed; distortion of religious concepts was avoided; transparency in the logic of inference and respect for valid readings were maintained; generalizations were made by mentioning theoretical limitations and requirements.

Results: The results showed that the goals of the religious education curriculum based on the moral teachings of the theory of divine nearness should be monotheistic, goal-oriented, and strengthen the relationship between the body and the soul in the path of evolution, focusing on self-development and individual behavior. The teaching-learning method should be interaction-oriented, with an emphasis on spiritual experientialism, reflective learning, and critical religious thinking, and the use of sacred models and the manifestation of the perfect human being. The content should be semantic, transcendental, integrated, and multi-dimensional, centered on moral behavior, personalized with the possibility of understanding and experiencing nearness, problem-oriented, and responsive to real needs. The environment should be flexible and multipurpose, inspired by local cultural and religious signs, with psychological security and unconditional acceptance, and based on self-study. Curriculum evaluation should be carried out with an emphasis on intention and motivation in assessing actions, continuous and process-oriented, with an emphasis on moral-spiritual signs, and by using moral self-evaluation and other evaluation, and by using qualitative tools such as narrative writing and reflection.

Conclusion: The theory of divine nearness provides a coherent framework for redesigning the religious education program; it is suggested that educational policymakers use this framework and conduct field research to assess its effectiveness.

Keywords: Religious education, Curriculum, Ethics, Theory of divine nearness

Corresponding Author: Mohammad Mahmoodi Boureng; **Email:** m.mahmoodi@birjand.ac.ir

Received: August 21, 2025; **Accepted:** October 18, 2025; **Published Online:** February 10, 2026

Please cite this article as:

Mahmoodi Boureng M, Gholampour M, Rahmati Kahkhah S. Religious Education Curriculum Model Based on Moral Teachings of the Theory of Divine Nearness. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2025; 15(40): e32.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره پانزدهم، شماره چهارم، ۱۴۰۴

الگوی برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی

محمد محمودی بورنگ^{۱*}، میثم غلام‌پور^۲، سعید رحمتی کهخا^۳

۱. گروه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

۲. گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۳. گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با تکیه بر «نظریه قرب الهی» در پی تبیین عناصر برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی است.

روش: در این پژوهش کیفی از نوع «جستار نظروژانه»، از روش جمع‌آوری و تحلیل مستندات استفاده شد. پس از مطالعه نظریه قرب الهی، دلالت‌های آن در عناصر برنامه درسی استخراج و به روش هدایت‌شده و تأملی تحلیل شد.

ملاحظات اخلاقی: در انجام تحقیق، امانت‌داری علمی و استناد دقیق رعایت شد؛ از تحریف مفاهیم دینی پرهیز گردید؛ شفافیت در منطق استنباط و احترام به قرائت‌های معتبر حفظ شد؛ تعمیم‌ها با ذکر حدود و لوازم نظری صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان‌دهنده آن بود که اهداف برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی باید توحید محور، غایت‌محور، تقویت‌کننده رابطه بین جسم و روح در مسیر تکامل، با تمرکز بر خودسازی و سلوک فردی باشد. روش یاددهی - یادگیری باید تعامل‌محور، با تأکید بر تجربه‌گرایی معنوی، یادگیری تأملی و تفکر نقادانه دینی و استفاده از الگوهای قدسی و تجلی انسان کامل باشد. محتوا باید معناگرا و تعالی محور، تلفیقی و چندساحتی با محوریت سلوک اخلاقی، شخصی‌سازی شده با امکان درک و تجربه قرب، مسئله‌محور و پاسخ‌گو به نیازهای واقعی باشد. محیط باید با قابلیت انعطاف و چندمنظوره، الهام‌گرفته از نشانه‌های فرهنگی و دینی بومی، با امنیت روانی و پذیرش بی‌قید و شرط و بر پایه خویشتن‌پژوهی باشد. ارزشیابی برنامه درسی نیز باید با تأکید بر نیت و انگیزه در سنجش اعمال، مستمر و فرآیندمحور، با تأکید بر نشانه‌های اخلاقی - معنوی و با به‌کارگیری خودسنجی و دگرسنجی اخلاقی و با استفاده از ابزارهای کیفی مانند روایت‌نویسی و تأمل‌نامه انجام گیرد.

نتیجه‌گیری: نظریه قرب الهی چارچوبی منسجم برای بازطراحی برنامه تربیت دینی فراهم می‌آورد؛ پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی از این چارچوب بهره گیرند و پژوهش‌های میدانی برای سنجش کارآمدی آن انجام شود.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، برنامه درسی، اخلاق، نظریه قرب الهی

نویسنده مسئول: محمد محمودی بورنگ؛ پست الکترونیک: m.mahmoodi@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mahmoodi Boureng M, Gholampour M, Rahmati Kahkhah S. Religious Education Curriculum Model Based on Moral Teachings of the Theory of Divine Nearness. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2025; 15(40): e32.

مقدمه

نقش غیرقابل چشم‌پوشی آموزش و پرورش در جوانب مختلف زندگی همچون زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی باعث شده است، ارتقای این نظام، همواره یکی از دغدغه‌های سیاستگذاران در کشورهای مختلف باشد (۱). با گسترش اهمیت آموزش و پرورش، توجه به شیوه‌های آموزش، ویژگی‌های افراد مؤثر در آن و عوامل تأثیرگذار نیز بیشتر شده است، این افزایش توجه تا حدی پیش رفته است که امروز نقش آموزش و پرورش در تکوین هویت شخصی و اجتماعی یک جامعه به‌عنوان بالاترین عنصر مؤثر شناخته می‌شود (۲). لذا تأثیر این نهاد تربیتی در جوامع مختلف مهم و انکارناپذیر است و کسب توفیق در امور تربیتی، در گرو به کار بستن شیوه‌های کارآمد برای آموزش و تربیت اثربخش تمام مؤلفه‌های انسانی در ابعاد مختلف روحی، جسمی، اخلاقی، اجتماعی فراگیران است (۳). به عبارتی مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالشی که انسان از اولین روزهای پیدایش با آن روبه‌رو بوده است «تربیت» است. این موضوع هنوز هم برای انسان ابعاد ناشناخته‌ای دارد و ماهیت مسئله‌ای آن پابرجاست؛ به همین دلیل هرگونه تلاش و سرمایه‌گذاری برای پیشرفت و حل مطلوب آن حائز توجه است (۴).

تربیت از دیدگاه اصول حاکم بر آموزش، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه انسان و حرکت تکاملی او به سوی هدف مطلوب، منطبق بر اصولی معین و برنامه‌های منظم و سنجیده تعریف می‌شود (۵). به اعتقاد مقام معظم رهبری، تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سوی هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را باز می‌یابد (۶). در نگاه اسلامی نیز، نظام تربیتی، جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره در کنار نظام‌های دیگر همچون اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ... نقش نظام تربیتی، پررنگ بوده و از اهمیت بنیادین برخوردار بوده و خواهد بود، چراکه معتقد است شکل‌گیری هویت و شخصیت مطلوب انسان، در سایه تربیت امکان‌پذیر است (۷) و برای

رسیدن به آن باید دین را به‌عنوان زیربنای اعتقادی جامعه حفظ کرد (۸).

در جوامع دینی، دین به‌عنوان یک نهاد اساسی بر تمام ساحت‌های حیات فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد و از همین رو، پایبندی به ارزش‌های دینی در میان اعضای جامعه امری مهم تلقی می‌شود. نهادهای سازای ارزش‌های دینی از طریق نهادهای آموزشی انجام می‌شود. از همین رو در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، ساحت تربیت دینی - اخلاقی به‌عنوان محور کلیه برنامه‌های تربیتی مدارس مطرح شده است (۹). ساحت تربیت دینی - اخلاقی که چهارچوب بنیادی و اصول آن براساس دین و آموزه‌های دینی است بیان می‌دارد که تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد یک نظام را براساس مبانی و معیارهای دینی شامل می‌شود. به عبارتی، بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین‌داری و دین‌ورزی متریان صورت می‌پذیرد؛ و در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دینی خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد و متربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آن‌ها تربیت می‌شود (۱۰). تربیت دینی، گونه‌ای از تربیت است که مستقیماً با ساحت تربیت دینی - اخلاقی ارتباط داشته و در راستای دستیابی به اهداف آن تعریف می‌شود.

دایرةالمعارف بین‌المللی تربیت، تربیت دینی را تدریس منظم و برنامه‌ریزی‌شده می‌داند که هدف آن، دستیابی فرد به اعتقادهایی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگار و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آن‌ها زندگی می‌کنند و بلکه با همه آحاد بشر است (۱۱). هدف اصلی تربیت دینی موحدشدن متربی است که مراتب و مراحل دارد؛ ابتدا باید متربی توحید نظری داشته باشد، به این معنا که خداوند را بشناسد و به وحدانیت او قائل شود؛ سپس این توحید نظری در عمل عبادی او متجلی شده، او را بپرستد و از او فرمان ببرد که این به معنای توحید عملی است (۱۲). به عقیده بهشتی (۱۳)، تربیت دینی دو معنای عام و خاص دارد؛ در معنای خاص به جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی اشاره دارد و در معنای عام، ساحت‌های تربیتی شامل

عقلانی، زیبایی‌شناختی، سیاسی، بدنی و مانند آن را دربر می‌گیرد. آداب و شئون عبادی نیز در بعد عملی آن می‌گنجد. یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی، تربیت دینی در بعد عملی آن است. این نوع از تربیت ناظر بر پرورش بعد معنوی و ایجاد ارتباط با خداوند است، به عبارت دیگر، در بعد عملی انسان با اعمال و احکام شرعی آشنا می‌شود و آنچه به شکل عملی نشان‌دهنده ارتباط با خداوند است را فرامی‌گیرد و با انگیزه‌ای راسخ در پی انجام آن است (۱۴). بر همین اساس، نظریه قرب الهی یکی از ابعاد اساسی تربیت دینی را تشکیل می‌دهد که مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه واقع شده است (۱۵).

نظریه قرب الهی از مفاهیم بنیادین در عرفان اسلامی و فلسفه دینی است که به فرآیند تعالی معنوی انسان و نزدیک شدن به خداوند اشاره دارد. این مفهوم در قرآن کریم با آیاتی نظیر «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» (بقره، ۱۸۶) به روشنی بیان شده و در آثار متفکران اسلامی مانند غزالی، ملاصدرا، ابن‌عربی و علامه طباطبایی مورد تبیین نظری قرار گرفته است (۱۶). از دیدگاه غزالی، قرب الهی تنها در سایه مجاهده نفس، تهذیب اخلاق، و اخلاص در عمل حاصل می‌شود. ملاصدرا نیز در فلسفه حکمت متعالیه، قرب الهی را نتیجه سیر وجودی انسان از مرتبه ماده به مرتبه عقل فعال و اتصال به عالم عقلانی می‌داند. در عرفان نظری ابن‌عربی، قرب الهی نه تنها هدف، بلکه مسیر و سلوک را نیز شامل می‌شود؛ انسان کامل با فنای در اسماء و صفات الهی، به مرتبه قرب می‌رسد (۱۷). این مفهوم در روان‌شناسی دین نیز از منظر تجربه درونی ارتباط با امر قدسی بررسی شده و نشان داده شده است که احساس نزدیکی به خداوند با آرامش روانی، انسجام شخصیت و رضایت از زندگی همبستگی دارد (۱۵).

در رویکردهای معاصر به نظریه قرب الهی، تلاش می‌شود این مفهوم با مؤلفه‌های تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی نیز تبیین گردد. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، قرب را ناظر بر تکامل وجودی و تجلی علم و اراده الهی در وجود انسان می‌داند که از طریق عبودیت حاصل می‌شود (۱۶). شهید مطهری نیز با رویکردی تربیتی، قرب

الهی را محور تربیت اسلامی دانسته و می‌گوید انسان در فرآیند تربیت باید با محبت، ایمان و عمل صالح، به سوی لقاء الهی حرکت کند (۱۸). در نگاه معاصر، این مفهوم در حوزه تعلیم و تربیت نیز وارد شده است؛ پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ادراک از قرب الهی با افزایش انگیزش درونی، تاب‌آوری در برابر دشواری‌ها، و رشد شخصیت اخلاقی در ارتباط است (۱۹). موسوی‌نسب و زینلی (۲۰) در مقاله «جایگاه قرب الهی در تربیت اخلاقی»، قرب الهی را در سه سطح تفسیر می‌کنند: تفسیر حقیقی و هستی‌شناختی (حاصل خودسازی و سلوک)، تفسیر اعتباری و تشریعی (حاصل اعمال اختیاری و عبادی)، و تفسیر حقیقت‌دست‌یافتنی (حاصل کوشش هدفمند در مسیر کمال معنوی). بر این اساس، نظریه قرب الهی می‌تواند بنیانی مفهومی برای طراحی الگوهای تربیت دینی باشد؛ الگویی که هدف غایی آن، پرورش انسانی موحد، اخلاق‌مدار و خداجوست. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است:

الگوی تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی دارای چه عناصر و مؤلفه‌هایی است؟

روش

این پژوهش با هدف بررسی و واکاوی کاربست‌های نظریه قرب الهی در تربیت دینی از روش کیفی «جستار نظرورزان» بهره گرفته است. این روش نوعی تحلیل پیشرفته و ترکیبی است که به جای تکیه بر قوانین آماری، به عنوان ابزاری برای روشن‌سازی و تبیین مفاهیم به کار می‌رود (۲۱). اطلاعات این مطالعه از طریق بررسی و تحلیل منابع معتبر مانند کتاب‌های تخصصی و مقالات علمی گردآوری شده و تحلیل داده‌ها براساس رویکرد هدایت‌شده و تأملی در حوزه «نظریه قرب الهی»، «تربیت دینی» و «اخلاق تربیتی» انجام گرفته است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش و طبقه‌بندی آن‌ها، نتایجی به دست آمده است که در راستای عناصر برنامه درسی تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی گردید. روایی و اعتباریابی پژوهش کیفی با روش ارزیابی

نهایی فرآیند تربیت، قرب الی الله و رسیدن انسان به کمال وجودی و عبودیت است. این رویکرد «غایت‌محور» نامیده می‌شود؛ یعنی همه اجزاء تربیت در خدمت رسیدن به یک غایت نهایی متعالی هستند (۱۸). براساس آیات قرآن، غایت زندگی انسان نه صرفاً رفاه مادی یا رشد فردی، بلکه تکامل معنوی در مسیر عبودیت و معرفت خداوند است:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). در این نگاه، عبودیت مقدمه‌ای برای رسیدن به قرب الهی است؛ یعنی انسان با بندگی و خودسازی در مسیر لقاءالله حرکت می‌کند (۱۶). در نظریه قرب الهی، انسان موجودی است در حال سیر از نقص به کمال، از کثرت به وحدت، و از غفلت به شهود. این سیر تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که برای آن، جهت و مقصدی متعالی تعریف شده باشد (۱۷). بنابراین، اهداف درسی اگر بدون توجه به غایت نهایی طراحی شوند، تنها به تقویت توانایی‌های ابزاری منجر می‌شوند، نه به رشد حقیقی انسان.

همچنین، در اندیشه علامه طباطبائی، هدف نهایی تربیت تجلی علم و اراده الهی در وجود انسان است که از مسیر عبودیت حاصل می‌شود (۱۶). این دقیقاً همان معنای قرب الهی است: نزدیکی وجودی، نه مکانی، به خداوند؛ و در این مسیر، اهداف تربیتی باید همگی معطوف به این غایت طراحی شوند.

۱-۲. توحیدمحوری: در قلب تربیت اسلامی، مفهوم توحید نه تنها به‌عنوان یک آموزه عقیدتی، بلکه به‌عنوان محور نظام تربیتی اسلامی مطرح است (۱۸). در قرآن کریم، آموزه توحید بارها به‌عنوان اساس هدایت معرفی شده است، مانند آیه:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه: ۸).

در نظریه قرب الهی، توحید به‌عنوان نقطه شروع، مسیر سلوک، و غایت نهایی تربیت مطرح می‌شود. ابن عربی، «توحید وجودی» را بنیان سلوک عارفانه می‌داند؛ یعنی انسان باید در مسیر قرب، از کثرت‌های ظاهری عبور کرده و به وحدت حقیقی در ذات الهی برسد (۱۷). شهید مطهری، از منظر تربیتی، توحید را به‌عنوان جهت‌دهنده به افعال و انگیزش انسان مطرح می‌کند؛ یعنی انسان باید برای خدا بودن

لینکلن و گوبا (۲۲) بر پایه چهار معیار اعتباربخشی (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، اعتمادبخشی و تأییدپذیری صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر به منظور اعتباربخشی از فن خود بازمینی محقق و به منظور انتقال‌پذیری از فن غنی‌سازی و بیان دقیق اسناد مورد مطالعه استفاده شد. به منظور اعتماد بخشی و تأییدپذیری، فرآیند کدگذاری و مؤلفه‌ها به همراه متخصص برنامه درسی مورد بررسی و بازمینی قرار گرفت.

یافته‌ها

نظریه قرب الهی، تربیت دینی را نه صرفاً در قالب انتقال دانش‌های مذهبی، بلکه به‌عنوان فرآیندی پیوسته در جهت ایجاد انس و نزدیکی معنوی میان فرد و خداوند تفسیر می‌کند. این نوع تربیت، علاوه بر آموزش گزاره‌های اخلاقی، بر شکل‌گیری نوعی تجربه زیسته و درونی تأکید دارد که فرد را در مسیر تعالی اخلاقی و معنوی قرار می‌دهد. بر این اساس، عناصر برنامه درسی تربیت دینی باید به گونه‌ای طراحی شوند که زمینه را برای تحقق این انس معنوی فراهم کنند. در ادامه، به تبیین عناصر اساسی این برنامه درسی پرداخته خواهد شد تا مشخص شود چگونه آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی می‌توانند در ساختار آموزشی تجلی یابند و مسیر تحول معنوی و اخلاقی را برای فراگیران تسهیل کنند.

۱. اهداف

در این رویکرد، اهداف ناظر بر رشد تدریجی و درونی انسان در مسیر تعالی اخلاقی و سلوک معنوی‌اند و تلاش می‌شود تا تمامی مؤلفه‌های تربیتی در خدمت نیل به این غایات قرار گیرند. به همین سبب، اهداف در این برنامه درسی واجد عمق مفهومی، جهت‌گیری ارزشی و پیوند وثیق با فلسفه وجودی انسان در نگاه دینی هستند و بر شکل‌گیری شخصیت دینی - اخلاقی فرد در نسبت با خداوند، خود، دیگران و هستی تمرکز دارند. ویژگی‌های اهداف در این برنامه درسی در ادامه تشریح شده است.

۱-۱. غایت‌محور بودن اهداف: در تربیت دینی اسلامی، برخلاف نظام‌های تربیتی سکولار که غالباً بر توسعه مهارت‌ها یا تحقق نیازهای اجتماعی - اقتصادی تمرکز دارند، هدف

۲. روش یاددهی - یادگیری

نظریه قرب الهی به مثابه یکی از بنیان‌های معنوی، فلسفی و عرفانی در سنت اسلامی، به تعالی معنوی انسان و سیر او به سوی خداوند اشاره دارد. در این راستا، روش‌های یاددهی - یادگیری نیز باید با ویژگی‌هایی طراحی شوند که با این هدف غایی یعنی تقرب به خداوند همخوان باشند. بر این اساس، ویژگی‌های اصلی این روش‌ها به شرح زیر تبیین می‌شوند:

۲-۱. **تأکید بر تجربه‌گرایی معنوی:** یکی از ویژگی‌های بنیادین روش یاددهی - یادگیری در تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، تأکید بر تجربه‌گرایی معنوی است؛ به این معنا که متربی نه تنها مفاهیم دینی را به صورت ذهنی فرا گیرد، بلکه آن‌ها را در عمل و احساس زیسته، تجربه کند. در نظریه قرب الهی، حرکت به سوی خداوند تنها از طریق شناخت نظری محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند درگیر شدن وجودی با مناسک، عبادات و حالات قلبی مانند خشوع، توبه، شکر و محبت الهی است (۱۶). تجربه‌های معنوی، زمینه‌ساز ارتقاء معرفت شهودی متربیان و تقویت حس حضور خداوند در زندگی روزمره می‌شود. از منظر روان‌شناسی دین، تجربه زیسته با امر قدسی، نه تنها به آرامش روانی می‌انجامد، بلکه انسجام شخصیت دینی و درونی‌سازی باورهای الهی را افزایش می‌دهد (۲۵).

تجربه واقعی از مفاهیم دینی، مانند احساس حضور خداوند در دعا، یا تجربه لذت در خدمت به دیگران، متربی را از درک انتزاعی به ارتباط وجودی با خداوند می‌رساند؛ که دقیقاً همان هدف نهایی تربیت دینی و سلوک قرب الهی است (۲۰). این ویژگی می‌تواند به طراحی راهبردهایی در برنامه درسی بینجامد که بر تأملات شخصی، مشارکت در مناسک و تجربه زیسته معنویت تأکید دارند.

۲-۲. **تأکید بر یادگیری تأملی و تفکر نقادانه دینی:** یکی از ارکان مهم یاددهی - یادگیری در تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، تأکید بر تفکر تأملی و نقادانه نسبت به مفاهیم دینی و اخلاقی است. در این دیدگاه، متربی تنها با پذیرش منفعلانه گزاره‌های دینی به مرتبه ایمان و قرب نمی‌رسد، بلکه باید از طریق سؤالات بنیادین، بازاندیشی در

را در عمل معنا کند، نه فقط در ذهن (۱۸). در این دیدگاه، توحید نه فقط یک باور، بلکه یک سبک زندگی توحیدی است.

۳-۱. **تقویت رابطه بین جسم و روح در مسیر تکامل:** در تربیت اسلامی، انسان موجودی دو بُعدی است؛ جسمانی و روحانی. برخلاف دیدگاه‌های دوگانه‌انگار افلاطونی یا برخی رویکردهای سکولار که جسم و روح را گاه در تقابل می‌بینند، در نگرش توحیدی، این دو نه تنها متضاد نیستند، بلکه در وحدتی هماهنگ و هدمند قرار دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲)

در نظریه قرب الهی، تعالی انسان تنها با حرکت هماهنگ و متعادل جسم و روح ممکن است. غزالی، در آثار خود، بر «تزکیه بدن» و «تهذیب روح» به‌طور توأمان تأکید می‌کند. وی بدن را نه مانعی برای سلوک، بلکه ابزاری برای بندگی و رشد می‌داند (۲۳).

۴-۱. **تمرکز بر خودسازی و سلوک فردی:** در نگرش اسلامی، خودسازی به معنای اصلاح و تهذیب نفس است؛ فرآیندی تدریجی و مستمر که طی آن، انسان با مراقبت، مجاهده، تزکیه و تقوا، ابعاد وجودی خود را در مسیر کمال الهی رشد می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يُهَذِّبْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَقْلِهِ» (کسی که نفس خود را تهذیب نکند، از عقلش بهره‌ای نمی‌برد) (۲۴).

نظریه قرب الهی در عرفان اسلامی و فلسفه دینی، خودسازی را شرط لازم برای تقرب به خداوند می‌داند. از نگاه غزالی، انسان زمانی به مقام قرب می‌رسد که نفس خود را با ریاضت، مراقبت و اخلاص تربیت کرده باشد (۲۳). ملاصدرا نیز در فلسفه خویش، قرب را نتیجه «حرکت جوهری نفس» می‌داند که در اثر تزکیه، علم و عمل صالح، از قوه به فعلیت می‌رسد (۱۶). از منظر شهید مطهری، هدف نهایی تربیت دینی، خودسازی و رهایی انسان از بندهای حیوانی و رفتن به سوی مقام انسان کامل است (۱۸).

باورها، و درگیری ذهنی و قلبی با مسائل دینی، به نوعی درک عمیق و شخصی از دین برسد (۱۸). چنین تفکری نه تنها زمینه تعقل و خودآگاهی را فراهم می کند، بلکه براساس آموزه های قرآنی نظیر «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»، مورد تأکید و حیانی نیز قرار دارد.

برای تقویت تفکر تأملی و نقادانه در فرآیند یاددهی - یادگیری، باید از روش هایی چون گفت و گوی سقراطی، مطالعه تفسیری قرآن، بررسی سیره انبیاء، نگارش تأملی و تحلیل مسائل اخلاقی روز بهره گرفت. این روش ها به متری فرصت می دهند تا هم عقل نظری خود را در فهم متون دینی فعال کند و هم عقل عملی خود را در حل مسائل اخلاقی تربیت نماید. در پژوهش های تربیتی نیز نشان داده شده که تأمل ورزی دینی موجب تثبیت باورها، گشودگی ذهنی و ارتقای تعهد معنوی می شود. از آنجا که نظریه قرب الهی بر سلوک تدریجی، معرفت شهودی، و عمل صالح مبتنی است، یادگیری تأملی می تواند پیوندی بنیادین بین عقلانیت، معنویت و عمل ایجاد کند (۲۰).

۲-۳. استفاده از الگوهای قدسی و تجلی انسان کامل: در نظریه قرب الهی، انسان در مسیر سلوک معنوی خود نیازمند نمونه هایی عینی برای درک، شناخت و پیروی از راه قرب به خداوند است. این الگوهای قدسی، در قالب پیامبران، امامان و اولیای الهی، تجلی عینی ارزش های توحیدی، اخلاقی و عبادی هستند و نقش مهمی در نظام تربیت دینی ایفا می کنند (۱۵). شناخت این الگوها از طریق مطالعه زندگی آنان، تأمل در رفتار و گفتارشان و درونی سازی صفات و سلوک آن ها، متری را از سطح دانش صرف به مرحله درک وجودی و عملی سوق می دهد. قرآن کریم نیز در موارد متعددی پیامبران را به عنوان «اسوه حسنه» معرفی می کند، مانند آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱).

در نظام تربیتی مبتنی بر نظریه قرب، انسان کامل نه تنها یک هدف نهایی بلکه یک روش تربیتی است؛ زیرا ویژگی های او در مقام الگو، نقشه راهی برای سیر الی الله فراهم می آورد. در اندیشه عرفانی و فلسفی اسلامی، انسان کامل مظهر اسماء و صفات الهی و کامل ترین تجلی حقیقت توحیدی است (۱۷).

این الگوهای الهی باعث می شوند متری در یک نظام معنابخش، مسیر رشد شخصی و عبودیت را با انگیزش درونی، محبت و معرفت طی کند (۱۴).

برای تحقق استفاده از الگوهای قدسی در فرآیند یاددهی - یادگیری، روش هایی چون بازنمایی داستان زندگی اهل بیت، تحلیل رفتارهای اخلاقی پیامبر، گفت و گوی گروهی پیرامون سجایای اخلاقی شخصیت های دینی و تمرینات عملی مبتنی بر سبک زندگی آن ها قابل اجراست. پژوهش ها نشان می دهند که الگوپذیری از شخصیت های معنوی، منجر به رشد همدلی، درونی سازی ارزش ها و جهت گیری توحیدی در زندگی می شود (۱۹). در این مسیر، معلم نیز باید خود الگوی زنده ای از فضائل اخلاقی باشد تا از طریق تجربه زیسته قدسی، بر متری اثر بگذارد (۷). بنابراین، استفاده از انسان کامل به عنوان الگو نه تنها ابزار تربیت است، بلکه خود نوعی از روش یاددهی - یادگیری معنادار و مؤثر در تربیت دینی است.

۳. محتوا

در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، محتوا نه تنها حامل اطلاعات دینی بلکه بستر اصلی انتقال مفاهیم بنیادین معنوی، اخلاقی و وجودی به شمار می رود. در این رویکرد، محتوا باید توان ایجاد پیوندی درونی میان متری و حقیقت متعالی را داشته باشد؛ پیوندی که فراتر از دانش آموزی صرف، به تجربه زیسته، درک حضوری و تکوین هویت دینی منجر شود. در ادامه به تشریح ویژگی های محتوا در این برنامه درسی پرداخته می شود.

۳-۱. محتوای معناگرا و تعالی محور: محتوای معناگرا و تعالی محور نوعی جهت گیری محتوایی در برنامه درسی است که هدف آن، فراتر رفتن از انتقال صرف اطلاعات و مهارت ها و تمرکز بر پرورش معنا، حکمت، هدف زندگی و رشد وجودی یادگیرنده است. این رویکرد به جای تمرکز بر کارکردهای بیرونی آموزش مانند اشتغال یا پیشرفت اقتصادی، سعی دارد به عمق تجربه زیسته انسان ورود کند و مفاهیمی چون هستی، مرگ، رنج، امید و هدف زندگی را به صورت تفکرپذیر و درون نگر در فضای یادگیری بگنجانند (۲۶).

راستای تحقق غایت نهایی انسان یعنی عبودیت و لقای الهی به شمار می آید. تربیت دینی، تنها محدود به آموزش معارف دینی نیست، بلکه هدف آن، پرورش انسان موحدی است که بتواند در تمام ابعاد زندگی، سبک زیست متعالی و اخلاق مدار داشته باشد (۱۲).

۳-۳. محتوای شخصی سازی شده با امکان درک و تجربه

قرب: محتوای شخصی سازی شده به معنای طراحی محتوای آموزشی متناسب با ویژگی ها، نیازها، علایق، تجربه ها، سبک یادگیری و سرعت یادگیری هر فرد است. در این نوع محتوا، فراگیر نه تنها گیرنده منفعل دانش نیست، بلکه به عنوان فاعل فعال در فرآیند یادگیری ایفای نقش می کند و محتوای ارائه شده با زمینه وجودی و هویتی او در تعامل است (۲۹). چنین محتوایی امکان انتخاب، تعمق، تجربه گرایی و بازخوردپذیری را برای یادگیرنده فراهم می آورد و بستری فراهم می سازد تا هر فرد، در مسیر منحصر به فرد خود، با مفاهیم علمی، اخلاقی و معنوی ارتباط برقرار کند. محتوای شخصی سازی شده به ویژه در تربیت دینی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه فرآیند دین ورزی و رشد معنوی، مسیری فردی و مبتنی بر درک درونی است که نمی توان آن را تنها از طریق محتواهای همگن و عمومی به همه منتقل کرد (۱۲).

تربیت دینی در ذات خود با مفاهیمی چون ایمان، معرفت قلبی، انتخاب آگاهانه و مسئولیت در برابر خداوند و جامعه گره خورده است؛ مفاهیمی که تحقق آن ها نیازمند تجربه شخصی و درونی از معارف دینی است (۱۲). در نظریه قرب الهی، مسیر رشد معنوی و اتصال وجودی انسان به خداوند، سفری شخصی، اختیاری و مرحله مند تلقی می شود که هر انسان باید با آگاهی، انتخاب، مجاهده و تجربه درونی آن را طی کند (۱۶). بنابراین، محتوای شخصی سازی شده نه تنها به تحقق اهداف تربیت دینی در ساحت های شناختی، عاطفی و رفتاری کمک می کند، بلکه به صورت خاص، بستر تجربه تدریجی و درونی از قرب الهی را برای هر فرد فراهم می آورد.

نظریه قرب الهی، که از مفاهیم بنیادین عرفان اسلامی و فلسفه دینی است، قائل به آن است که غایت وجودی انسان، رسیدن به مقام قرب و لقای الهی از طریق تزکیه، معرفت و عبودیت است (۱۸). محتوای معناگرا با این نظریه هم راستا است؛ زیرا هر دو به تجربه زیسته انسان، جست و جوی معنا و کمال معنوی توجه دارند. نظریه قرب الهی بر این باور است که تعالی معنوی از طریق عمل اختیاری، معرفت شهودی و سیر درونی تحقق می یابد (۲۰)، و محتوای تعالی محور نیز باید چنین مسیری را در تربیت ترسیم کند. به عبارت دیگر، محتوایی که از منظر قرب الهی طراحی می شود، باید فراتر از سطح دانشی بوده و بر انگیزش معنوی، رشد اخلاقی و تجربه شخصی از حضور خداوند در زندگی تأکید داشته باشد.

۲-۳. محتوای تلفیقی و چندساحتی با محوریت سلوک

اخلاقی: محتوای تلفیقی و چندساحتی با محوریت سلوک اخلاقی، نوعی رویکرد جامع به برنامه درسی است که به جای تمرکز صرف بر یک ساحت خاص (مثلاً شناختی یا علمی)، تلاش می کند ابعاد مختلف وجود انسان را - اعم از شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، زیباشناختی و معنوی - به صورت هماهنگ و یکپارچه مورد توجه قرار دهد (۲۷). سلوک اخلاقی به عنوان محور این محتوا، مسیر آگاهانه ای است که مرتبی برای پرورش فضایل اخلاقی، تهذیب نفس و التزام عملی به ارزش ها در پیش می گیرد؛ نه صرفاً در قالب آموزش اصول اخلاقی، بلکه از طریق درونی سازی آن ها در تجربه های واقعی زندگی (۲۸). چنین محتوایی به پرورش انسان متعادل، مسئول و متخلق در برابر خود، دیگران و خداوند کمک می کند.

نظریه قرب الهی که به رشد متوازن و هدفمند انسان در مسیر کمال معنوی تأکید دارد، بستری غنی برای تبیین ضرورت طراحی محتوای تلفیقی و چندساحتی فراهم می سازد. از منظر این نظریه، انسان برای رسیدن به قرب الهی باید در تمام ساحت های وجودی خود، اعم از عقل، قلب، اراده و عمل رشد یابد (۱۸). از دیدگاه تربیت دینی، محتوای تلفیقی و چندساحتی با محوریت سلوک اخلاقی، یک ضرورت تربیتی در

۳-۴. محتوای مسئله محور و پاسخ گو به نیازهای واقعی:

محتوای مسئله محور رویکردی در طراحی آموزشی است که یادگیری را از طریق پرداختن به مسائل واقعی، معنادار و مبتلا به مخاطبان تسهیل می کند. در این رویکرد، محتوا نه صرفاً به صورت گزاره های از پیش تعریف شده، بلکه براساس موقعیت هایی طراحی می شود که در آن یادگیرنده با یک چالش یا پرسش باز مواجه شده و با مشارکت فعال، جستجوگری، تحلیل و تأمل، به پاسخ یا راه حل دست می یابد (۲۷). ویژگی کلیدی این نوع محتوا، ارتباط آن با نیازها، دغدغه ها و واقعیت زیسته یادگیرندگان است؛ به عبارتی محتوا از متن زندگی واقعی استخراج می شود و به زندگی واقعی باز می گردد. از این رو، محتوای مسئله محور موجب افزایش انگیزش درونی، تقویت تفکر انتقادی و ارتقاء مهارت های حل مسئله در یادگیرنده می شود (۶).

از منظر نظریه قرب الهی، هدف نهایی انسان، رسیدن به مقام قرب به خداوند از طریق عبودیت آگاهانه، مجاهده با نفس و انجام اعمال صالح است (۱۸). محتوای مسئله محور با فراهم کردن موقعیت های واقعی که نیازمند داوری اخلاقی، تحلیل دینی و اقدام مسئولانه هستند، به مربی امکان می دهد تا ایمان و باورهای دینی خود را در ساحت عمل بسنجد و تحقق ببخشد (۲۰). به عبارت دیگر، چنین محتوایی مسیر رشد معنوی و تجربه تدریجی قرب را در بستر زندگی واقعی فراهم می سازد؛ زیرا در فرآیند مواجهه با مسئله، مربی نه تنها به شناخت، بلکه به خودسازی و عمل نزدیک می شود. بنابراین، محتوای مسئله محور می تواند حلقه واسطی میان معرفت نظری دینی و سلوک عملی معنوی باشد که غایت آن، اتصال وجودی انسان با خالق است.

۴. محیط

در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی، «محیط تربیتی» جایگاهی فراتر از بستر صرف فعالیت های آموزشی دارد و به مثابه عنصری فعال و مؤثر در فرآیند تربیت تلقی می شود. در این نگاه، محیط نه تنها زمینه ای برای انتقال دانش یا مهارت، بلکه فضایی زنده برای

تحقق سلوک اخلاقی، تجربه های معنوی و تمرین زیستن در حضور الهی است. در ادامه ویژگی های محیط تشریح می شود.

۴-۱. قابلیت انعطاف و چندمنظوره بودن فضا: در نگاه مبتنی بر نظریه قرب الهی، فضای تربیتی باید آن قدر منعطف و سازگار باشد که زمینه تجلی ابعاد مختلف وجودی انسان را فراهم آورد؛ زیرا هر مربی در مسیر تقرب به پروردگار، نیازمند محیطی است که نه تنها محدودیت ها را کاهش دهد، بلکه امکان تجربه زیسته ایمان، محبت، تأمل و سلوک فردی را نیز فراهم کند (۱۵). در چنین محیطی، آموزش صرفاً به انتقال مفاهیم محدود نمی شود، بلکه به بستر تجارب الهیاتی و هستی شناختی بدل می گردد که تربیت دینی را از سطح مفهومی به سطح وجودی ارتقاء می دهد.

قابلیت انعطاف و چندمنظوره بودن فضا، یکی از ویژگی های کلیدی محیط در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی است که از رویکردی پدیدارشناختی و انسان گرایانه به تربیت نشأت می گیرد. منظور از انعطاف پذیری، طراحی محیط هایی است که امکان جابه جایی اجزا، چیدمان متنوع و پشتیبانی از انواع سبک های یادگیری را فراهم می سازند. این نوع طراحی، بستر را برای برگزاری جلسات گفتگو، حلقه های معرفت، خلوت های فردی برای تأمل و عبادت، یا فعالیت های گروهی مبتنی بر مشارکت فعال فراهم می سازد.

۴-۲. کاربرست نشانه های فرهنگی و دینی بومی در

فضای آموزشی: توجه و استفاده از نشانه های فرهنگی و دینی بومی در فضای آموزشی، به ویژه در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی، ازجمله راهبردهای اساسی برای ایجاد پیوندی عمیق میان محیط فیزیکی و تجارب معنوی متربیان به شمار می آید. نشانه های فرهنگی و دینی مانند آیات قرآنی، احادیث اخلاقی، نمادهای مرتبط با هویت دینی، معماری الهام گرفته از عناصر معنوی و خطاطی اسلامی، می توانند در فضا سازی مدرسه یا کلاس نقش واسطه ای میان تجربه بیرونی و تحول درونی ایفا کنند. از منظر نظریه قرب الهی، فضا نباید خنثی و بی معنا باشد، بلکه باید «یادآور» باشد؛ یعنی توانایی فعال سازی ساحت های

معنوی، اخلاقی و التفات وجودی انسان را در خود داشته باشد (۱۶). نشانه‌ها در این زمینه، همچون علائم راه در سلوک انسانی به سوی خداوند عمل می‌کنند و می‌توانند حافظ انسجام تجربه تربیتی با زیست‌بوم فرهنگی متربیان باشند. برای نمونه، استفاده از نقوش اسلامی یا تصاویر مفاهیم کلیدی همچون «صدق»، «توکل» یا «احسان»، می‌تواند پیوستاری معنایی بین فضای فیزیکی و اهداف تربیتی مبتنی بر تعالی روح ایجاد کند.

۴-۳. محیط با امنیت روانی و پذیرش بی‌قید و شرط:

محیطی با امنیت روانی و مبتنی بر پذیرش بی‌قید و شرط، از مؤلفه‌های بنیادین در تحقق اهداف تربیت دینی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی است. در چارچوب نظریه قرب الهی، پذیرش بی‌قید و شرط از سوی مربی و ساختار محیط آموزشی، تجلی رابطهٔ رحمانی و بی‌منت خداوند با انسان است؛ رابطه‌ای که در آن، خداوند بندگان خود را علی‌رغم ضعف‌ها و خطاهایشان دوست دارد و به‌سوی خود فرا می‌خواند (۱۶). این نگاه، مربی را به تجلی همان صفت الهی در تعامل با متربیان فرا می‌خواند؛ بدین‌معنا که بدون پیش‌داوری، برچسب‌زنی یا مقایسه، به رشد هر مربی متناسب با ظرفیت‌های فردی‌اش کمک نماید. از این رو، امنیت روانی در این بستر نه فقط ابعاد روان‌شناختی، بلکه ساحت معنوی حضور انسان در برابر خدا را نیز بازنمایی می‌کند.

۴-۴. طراحی محیط بر پایه خویشتن‌پژوهی: این نوع

طراحی محیطی، ناظر به تأسی از سنت‌های اخلاقی و عرفانی اسلامی است که در آن «رجوع به نفس» شرط اساسی برای سیر الی‌الله دانسته شده است. در نظریه قرب الهی نیز، حرکت به سوی خداوند، با شناخت و اصلاح خویشتن آغاز می‌شود؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامه: ۱۴). بنابراین، محیط باید طوری سامان یابد که مربی در آن مجال پرسشگری وجودی، مواجهه با ابعاد ناشناخته نفس و اصلاح تدریجی خود را تجربه کند؛ نه اینکه صرفاً دریافت‌کننده آموزه‌های بیرونی باشد.

در عمل، چنین محیطی با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی همچون نوشتن تأمل‌نامه، روایت‌نویسی اخلاقی، گفت‌وگوهای عمیق معنوی، یا ایجاد فضاهای خلوت‌گزینی و تفکر فردی طراحی می‌شود؛ محیطی که در آن خطای اخلاقی نه صرفاً خطا، بلکه فرصتی برای درک عمیق‌تر از خویش تلقی می‌شود. درنتیجه، طراحی محیطی بر پایه خویشتن‌پژوهی، نه تنها با اهداف نظریه قرب الهی هم‌راستا است، بلکه نقشی اساسی در شکل‌گیری تربیت دینی اصیل، درونی‌شده و مستمر ایفا می‌کند.

۵. ارزشیابی

در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی نظریه قرب الهی، ارزشیابی نه تنها به مثابه ابزاری برای سنجش عملکرد، بلکه به عنوان فرآیندی تربیتی و هم‌راستا با اهداف معنوی در نظر گرفته می‌شود. در این نگاه، ارزشیابی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند رشد و تعالی مربی تلقی شده و نقشی هدایتی و بازتابی ایفا می‌کند. در این راستا، ویژگی‌های ارزشیابی در این برنامه درسی در ادامه تشریح شده است.

۵-۱. توجه به نیت و انگیزه در سنجش اعمال: توجه به

نیت و انگیزه در سنجش اعمال، یکی از بنیادی‌ترین اصول در ارزشیابی تربیت دینی است که برخاسته از آموزه‌های دینی و اخلاقی می‌باشد. در این رویکرد، عملکرد ظاهری مربی به تنهایی ملاک قضاوت قرار نمی‌گیرد، بلکه نیت و قصد درونی او نسبت به عمل، جایگاه محوری می‌یابد. مطابق با دیدگاه اسلامی، اعمال انسان زمانی ارزشمند و مقبول‌اند که با نیت الهی و خالص همراه باشند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». درنتیجه، ارزشیابی صرف از خروجی‌های رفتاری و قابل مشاهده نمی‌تواند نماینده کامل رشد اخلاقی و دینی فرد باشد، بلکه نیازمند بررسی لایه‌های پنهان‌تر چون نیت و انگیزه است که معمولاً با ابزارهای کیفی چون گفت‌وگوهای تأملی، مصاحبه‌های اخلاقی، خودسنجی و تحلیل روایت‌های شخصی بهتر آشکار می‌گردد (۱۹).

این رویکرد در بستر نظریه قرب الهی معنا و ضرورت دوچندانی می‌یابد. از منظر این نظریه، آنچه انسان را به مرتبه

گفتار، ادب در رفتار، فروتنی، مسئولیت پذیری، احسان، پرهیز از ریا، و توجه به حضور الهی در اعمال روزمره به عنوان شاخص های معنوی مورد مشاهده و تحلیل قرار می گیرند (۱۴).

در پرتو نظریه قرب الهی، مشاهده رفتاری جایگاه ویژه ای می یابد؛ از دیدگاه آموزه های اخلاقی دینی، جلوه های بیرونی چون حلم، بردباری در برابر رنج، وفای به عهد و توکل عملی، بازتابی از تحولات درونی اند که باید با دقت و حساسیت در فرآیند تربیت مورد مشاهده قرار گیرند (۲۰). این نوع مشاهده، بیش از آنکه صرفاً ثبت کننده اعمال باشد، ناظر بر عمق یافتن فضایل اخلاقی در زیست فردی و اجتماعی متربی است. در نتیجه، می توان گفت که مشاهده رفتاری با محوریت نشانه های اخلاقی - معنوی، روشی هم راستا با رویکرد تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی است.

۴-۵. استفاده از خودسنجی و دگرسنجی اخلاقی:

استفاده از خودسنجی و دگرسنجی اخلاقی در ارزشیابی برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی، روشی است که در آن متربی نه تنها از بیرون، بلکه از درون نیز در فرآیند ارزشیابی مشارکت فعال دارد. خودسنجی به معنای توانایی فرد برای ارزیابی درونی اعمال، نیت ها و حالات اخلاقی خود است و دگرسنجی اخلاقی به فرآیند سنجش توسط افراد آگاه و متعهدی اطلاق می شود که با نگرشی مشفقانه و تربیتی، به تحلیل رفتارهای اخلاقی متربی می پردازند (۲۷). این دو رویکرد، با ایجاد تعادل میان خودآگاهی و بازخورد بیرونی، به فرد امکان می دهند تا درکی عمیق تر از وضعیت اخلاقی خود به دست آورده و مسیر رشد را آگاهانه تر طی کند.

در نظریه قرب الهی، خودشناسی و بازنگری درونی جایگاه بنیادی دارد، زیرا مسیر تقرب به خداوند از مجاهده نفس، محاسبه اعمال و تهذیب قلب آغاز می شود. آموزه هایی همچون «حاسبوا أنفسکم قبل أن تُحاسِبُوا» از سنت اسلامی، بر اهمیت خودسنجی تأکید دارند، چرا که بدون مراقبه و محاسبه مستمر، نمی توان به مراتب بالاتر قرب الهی دست یافت (۱۸). همچنین، دگرسنجی اخلاقی، زمانی مؤثر است که با نیت

قرب و نزدیکی به خداوند می رساند، نه ظاهر اعمال، بلکه کیفیت درونی و نیت و اخلاص اوست. ملاصدرا، در حکمت متعالیه، عمل را زمانی عامل قرب می داند که با نیت پاک و توجه وجودی به حق تعالی همراه باشد (۳۰). در این دیدگاه، اعمالی که بدون نیت الهی انجام شوند، صرفاً پوسته ای بی روح اند و در فرآیند تربیت معنوی فاقد تأثیر عمیق هستند. بنابراین، ارزشیابی تربیت دینی براساس آموزه های نظریه قرب الهی، باید بتواند انگیزش درونی، جهت گیری نیت و میزان خلوص نیت را در متربی تشخیص داده و تقویت کند.

۲-۵. ارزشیابی مستمر و فرآیندمحور: ارزشیابی مستمر و

فرایندمحور به عنوان یکی از رویکردهای نوین در سنجش یادگیری، بر پایش مداوم روند رشد متربی به جای تمرکز صرف بر نتایج نهایی تأکید دارد. در این رویکرد، ارزشیابی نه فقط ابزاری برای قضاوت، بلکه سازوکاری برای ارتقای یادگیری و اصلاح فرآیند تربیت محسوب می شود. به جای آزمون های پایانی و نمره محور، ابزارهایی چون مشاهده، خودسنجی، یادداشت های تأملی، بازخوردهای توصیفی و گفت وگوهای تربیتی مورد استفاده قرار می گیرد که زمینه را برای فهم عمیق تر و یادگیری مستمر فراهم می کند (۱۵). ارزشیابی فرآیندمحور بر «شدن» و «رشد» تمرکز دارد، نه صرفاً «داشتن» دانش یا مهارت در نقطه ای خاص از زمان.

می توان گفت که ارزشیابی مستمر و فرآیندمحور، با هدف رشد درونی، پرورش تدریجی و اصلاح مستمر، کاملاً با اهداف تربیت دینی در نظریه قرب الهی هم راستا است. در چنین بستری، ارزشیابی نه تنها یک ابزار، بلکه خود یک فرآیند تربیتی و اخلاقی است که متربی را به تأمل در سلوک، پالایش نیت و ارتقاء معنوی دعوت می کند. در نتیجه، این نگاه، ارزشیابی را به بخشی از فرآیند سلوک دینی بدل می سازد.

۳-۵. مشاهده رفتاری با تأکید بر نشانه های اخلاقی -

معنوی: مشاهده رفتاری با تأکید بر نشانه های اخلاقی - معنوی، یکی از روش های کیفی ارزشیابی در فرآیند تربیت است که به جای تمرکز بر داده های کمی و نتایج صریح، به تحلیل عمیق کنش ها، واکنش ها، تصمیمات و تعاملات متربی می پردازد. در این نوع سنجش، نشانه هایی چون صداقت در

تربیتی، به دور از قضاوت های خشک و برچسب زن، در فضای امن و اطمینان بخش ارائه شود تا متربی بتواند بازتاب هایی دقیق از سلوک خود را دریافت کرده و در پرتو آن به اصلاح بپردازد.

۵-۵. استفاده از ابزارهای کیفی مانند روایت نویسی و تأمل نامه: در ارزشیابی برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی، امکان تعمیق فهم، درک تجربی و بازنمایی زیسته متربی از ساحت های اخلاقی و معنوی فراهم می آید. روایت نویسی به متربی این فرصت را می دهد تا تجربیات زیسته خود از موقعیت های اخلاقی و تربیتی را بازگو کرده و در قالب یک متن معنادار بازسازی نماید.

تأمل نامه: در ارزشیابی برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی در شکل شماره ۱ تصویر شده است.

در چارچوب نظریه قرب الهی، سلوک معنوی و اخلاقی مسیری درونی و تدریجی است که با آگاهی، تأمل و مجاهده همراه است. روایت نویسی و تأمل نامه نویسی با تأکید بر مواجهات شخصی با موقعیت های اخلاقی، متربی را به بازبینی

در چارچوب نظریه قرب الهی، سلوک معنوی و اخلاقی مسیری درونی و تدریجی است که با آگاهی، تأمل و مجاهده همراه است. روایت نویسی و تأمل نامه نویسی با تأکید بر مواجهات شخصی با موقعیت های اخلاقی، متربی را به بازبینی



بحث

طراحی برنامه هایی باشد که با نیازهای معنوی و اخلاقی انسان معاصر هماهنگ باشد. نظریه قرب الهی، به عنوان یک چارچوب مفهومی برخاسته از سنت معرفتی اسلامی، زمینه ساز توجه عمیق تر به ابعاد اخلاقی و معنوی تربیت دینی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین عناصر برنامه درسی تربیت دینی مبتنی

تربیت دینی به عنوان یکی از مهم ترین حوزه های تربیت در جوامع اسلامی، همواره نیازمند بازاندیشی در مبانی و عناصر برنامه درسی خود بوده است. در این میان، بهره گیری از نظریه های نوین با پشتوانه فلسفی و دینی می تواند راهگشای

بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی انجام گرفت. یافته ها و تحلیل های ارائه شده، متکی بر مبانی فلسفی، دینی و تربیتی این نظریه اند و می کوشند تصویری هماهنگ، منسجم و بومی از یک برنامه درسی دینی اخلاق محور ارائه دهند. در ادامه، با استناد به مبانی نظری و داده های حاصل از تحلیل ها، عناصر این برنامه تبیین می گردد.

اهداف در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، غایت محور، توحید بنیاد، و ناظر به سلوک فردی و رشد هماهنگ جسم و روح اند. این اهداف با پژوهش هایی که بر معنابخشی، تعالی گرایی، و فردمحوری تأکید دارند، همسو هستند. اما با رویکردهایی که صرفاً مهارت محور یا کارکردگرایانه هستند، ناهمخوانی دارند و این موضوع در یافته های ابن عربی (۱۷) نیز مورد تأکید قرار گرفته بود.

در نظریه قرب الهی، روش یاددهی - یادگیری باید زمینه ساز سلوک معنوی باشد. تأکید بر تعامل محوری، تجربه گرایی معنوی، تفکر تأملی و استفاده از الگوهای قدسی، با پژوهش های احمدی و مدرسی (۱۵)، مطهری (۱۸)، و موسوی نسب و زینلی (۲۰) همسوست که بر تقرب، معناگرایی، و تربیت قلبی تأکید دارند. اما این رویکرد با دیدگاه هایی چون داوسون و همکاران (۲۵) یا ویراندی و همکاران (۱۱) که بیشتر بر کارکردهای روان شناختی یا شناختی دین تمرکز دارند، بخشی از ناهمسوایی را نشان می دهد که علت آن را می توان در مبانی هستی شناختی و اهداف نهایی تربیت دینی واکاوی نمود.

محتوای برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر آموزه های اخلاقی نظریه قرب الهی، به دنبال انتقال مفاهیم دینی و معنوی است که هدف آن تربیت انسان های موحد و اخلاق مدار است. محتوای معناگرا و تعالی محور با تأکید بر رشد وجودی، اخلاقی و معنوی، به ویژه در زمینه تجربه زیسته و سلوک اخلاقی، مربی را در مسیر کمال انسانی هدایت می کند. همسوایی محتوای برنامه با نظریه قرب الهی در تأکید بر رشد معنوی و درونی سازی مفاهیم دینی مشاهده می شود. اما در برخی نقاط، ممکن است ناهمسوایی هایی با رویکردهای سکولار یا فردگرایانه وجود داشته باشد که به طور کلی از تأکید بر تربیت معنوی غافلند.

در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، «محیط تربیتی» فضایی زنده و معناگرا است که با ویژگی هایی چون انعطاف پذیری، چندمنظوره بودن، کاربست نشانه های دینی و فرهنگی، ایجاد امنیت روانی و طراحی مبتنی بر خویشتن پژوهی، بستری برای سلوک اخلاقی و زیستن معنوی فراهم می سازد. این نگاه با دیدگاه های پژوهش هایی چون پژوهش احمدی و مدرسی (۱۵) و مطهری (۱۸) که بر پیوند محیط با فطرت، هویت دینی و تجربه زیسته تأکید دارند، همسو می دارد.

ارزشیابی در برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی، فرآیندی تربیتی، بازتابی و معناگراست که با هدف رشد درونی و تعالی معنوی مربی طراحی شده است. همسوایی این نگاه با نظریه قرب الهی در تأکید بر نیت (۳۰)، رشد تدریجی (۱۸)، و سلوک درونی (۵) کاملاً مشهود است. استفاده از خودسنجی، مشاهده اخلاقی، و ابزارهای تأملی، نشانگر هم راستایی با اهداف اخلاقی نظریه است. اما ناهمسوایی زمانی بروز می یابد که ارزشیابی ها به رویکردهای کمی و نتایج محور محدود شود، چرا که این روش ها نمی توانند لایه های عمیق معنوی مد نظر در این نظریه را بازتاب دهند.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر نظریه قرب الهی با تأکید بر ابعاد اخلاقی و معنوی، می تواند به طور مؤثری نیازهای تربیتی انسان معاصر را در زمینه رشد فردی و اخلاقی برآورده سازد. اهداف این برنامه، که غایت محور و توحید بنیاد هستند، با رویکردهایی که بر تعالی فردی و معنابخشی تأکید دارند، همسو بوده و بر سلوک معنوی و رشد هماهنگ جسم و روح تأکید دارند. روش های یاددهی - یادگیری باید به گونه ای طراحی شوند که زمینه ساز سلوک معنوی و تجربه گرایی معنوی باشند، در حالی که محتوای برنامه نیز باید مفاهیم دینی و معنوی را به نحو معناداری انتقال دهد. علاوه بر این، محیط تربیتی باید فضایی انعطاف پذیر و معناگرا باشد که امنیت روانی و تجربه زیسته را برای مربی فراهم کند. ارزشیابی در این برنامه نیز فرآیندی

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در آماده‌سازی این مقاله از ابزارهای هوش مصنوعی تنها برای بازنویسی و ویرایش متن استفاده شده و تصمیم‌گیری‌های علمی و دستیابی به محتوا و نتایج به عهده نویسندگان بوده است.

تربیتی و بازتابی است که به جای تمرکز بر نتایج کمی، بر رشد درونی و تعالی معنوی تأکید دارد.

بر اساس نتایج، پیشنهادهای ذیل قابل ارائه می‌باشند:

- طراحی برنامه‌های درسی تربیت دینی در مدارس و دانشگاه‌ها براساس چارچوب نظریه «قرب الهی» به منظور تقویت ابعاد اخلاقی و معنوی متربیان؛

- استفاده از روش‌های یاددهی - یادگیری مبتنی بر تجربه معنوی، تعامل تأملی و الگوهای قدسی در فرآیند آموزش دینی؛

- بازنگری محتوای کتب درسی دینی و اخلاقی با تأکید بر رشد وجودی، معناگرایی و درونی‌سازی ارزش‌های الهی؛

- توجه به طراحی محیط‌های آموزشی انعطاف‌پذیر، معناگرا و مبتنی بر نشانه‌های دینی و فرهنگی برای ارتقای زیست معنوی دانش‌آموزان؛

- تغییر رویکرد ارزشیابی از روش‌های صرفاً کمی به روش‌های بازتابی و خودسنجی اخلاقی برای ارزیابی رشد درونی و معنوی متربی.

مشارکت نویسندگان

محمد محمودی بورنگ: طراحی ایده، گردآوری داده‌ها و تدوین یافته‌ها.

میثم غلام‌پور: نگارش مقدمه، روش و بحث.

سعید رحمتی کهخا: بازبینی و اصلاح نهایی متن.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

References

1. Behboudi H, Moazzami M, Hashemi SM. Components of inclusive education for students with special needs in Iran. *Research in Curriculum Planning*. 2022; 19(1): 192-205. [Persian]
2. Mohammadi Pouya S, Qaderi S, Adib Y, Seydi Nazarloo ST. Teachers' views on schools for students with special needs: policy suggestions. *Exceptional Children*. 2022; 22(2): 89-106. [Persian]
3. Mozaffari SA, Sabbaghiyan-Rad L, Hatami H. Comparative effectiveness of traditional vs. blended PE teaching on science learning and social skills in 2nd-grade boys. *Roshd va Yadgiri-ye Harkati-Varzeshi (Motor Development & Learning in Sport)*. 2014; 6(2): 217-230. [Persian]
4. Fitrah M, Setiawan C, Marinding Y. Evaluation of digital technology management in mathematics learning: a sequential explanatory design in Eastern Indonesia. *Nordic J Comp Int Educ*. 2024; 8(3).
5. Rezaei MJ, Norouzi RA, Sepahi M. Functions of rational education from Ayatollah Javadi Amoli's perspective. *Research in Issues of Islamic Education*. 2018; 26(2): 29-53. [Persian]
6. Nosratpanah S, Nedaei H, Amiri M. Educational principles from the Supreme Leader's perspective in IRGC training missions. *Research in Issues of Islamic Education*. 2017; 25(2): 31-52. [Persian]
7. Zou'elm A, Pir K. An introduction to the philosophy of Islamic education. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought; 2018. [Persian]
8. Keramati M. Foundations and principles of moral education in Islam. Tehran: Hajj and University Research Institute; 2019. [Persian]
9. Vojdani F, Heydari S. On the necessity of self-assessment in the religious education curriculum. *Tarbiat-e Eslami (Islamic Education)*. 2021; 16(2): 57-84. [Persian]
10. Kiaei T, Mousazadeh Z. Opportunities and threats of the religious-moral domain in the Philosophy for Children program. *Tarbiat-e Eslami (Islamic Education)*. 2018; 13(2): 97-115. [Persian]
11. Wiryadinata H. Mulajadi Nabolon: From indigenous religious practice to contemporary society in the public sphere. *Int J Religion Spirituality Soc*. 2024; 14(4): 73-88.
12. Isa Pour AA. A critical review of religious education in the Fundamental Transformation Document. In: *Proc Int Congress of Culture and Religious Thought*; 2014; Qom. [Persian]
13. Beheshti S. [Religious education: general and specific meanings]. In: Beheshti S. *Philosophical reflections on education*. Tehran: Zavvar Publications; 2009. [Persian]
14. Heydari N, Beheshti S, Delavar A, Imani M. A comprehensive model of children's religious education based on Ibn Sina's thought. *Islam and Educational Research*. 2021; 12(2): 23-42. [Persian]
15. Ahmadi H, Modarresi SMR. The status of knowledge in the ethical theory of divine proximity. *Ethics Research*. 2023; 16(2): 7-26. [Persian]
16. Tabataba'i MH. *Al-Mizan: An exegesis of the Qur'an*. Vols. 1-20. Qom: Islamic Publications Office; 1995. [Arabic]
17. Ibn Arabi M. *Fusus al-Hikam*. Cairo: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 2004. [Arabic]
18. Motahhari M. *Education and training in Islam*. Tehran: Sadra Publications; 2024. [Persian]
19. Samoui MH. The place of pleasure in the ethical theory of divine proximity. *Ma'refat-e Akhlaqi (Moral Knowledge)*. 2023; 14(2): 41-50.
20. Mousavi-Nasab SMR, Zeinali E. The place of divine proximity in moral education. *Islam and Educational Research*. 2014; 5(2): 57-74. [Persian]
21. Short EC. [Forms of Curriculum Inquiry]. Mehrmohammadi M, translator. Tehran: SAMT; 2008. [Persian]
22. Guba EG, Lincoln YS. Competing paradigms in qualitative research. In: Denzin NK, Lincoln YS, editors. *Handbook of Qualitative Research*. Thousand Oaks (CA): Sage; 1994. p. 105-117.
23. Al-Ghazali MH. *Kimiya-ye Sa'adat*. Aram A, editor/translator. Tehran: Scientific & Cultural Publications; 2013. [Persian]
24. Al-Sharif al-Radi. *Nahj al-Balagha*. Ed. Subhi al-Salih. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi; 1967. [Arabic]
25. Dawson-Amoah M, Smith SL, O'Neal D, Clay I, Alonso-Morris EA, Kho A. Understanding the education policymaking process in the United States. *Encyclopedia*. 2024; 4: 46-59.
26. Wong PTP. *The human quest for meaning: Theories, research, and applications*. 2nd ed. New York: Routledge; 2014.

27. Parsa M. Multidimensional content in the curriculum. *Andishehaye Tarbiyati* (Educational Thoughts). 2020; 11(4): 121-140. [Persian]
28. Nasri H. Moral wayfaring and religious education in a comprehensive curriculum. Qom: Ta-ha Publications; 2023. [Persian]
29. Mirshafiei M, Taheri F. Personalized content and its application in religious education. *Barnāmeḥ-ye Darsi* (Curriculum). 2023; 18(1): 113-130. [Persian]
30. Shirazi MS (Mulla Sadra). *Al-Hikmah al-muta'aliyah fi al-asfar al-arba'ah* [The transcendent philosophy in the four journeys of the intellect]. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation; 2006. [Arabic]